

## پیام آزادی

پیام از دل برخاسته ام را به همه هم میهنان بویژه دختران و پسران جوان، آینده سازان میهن ملا خورشده با این فراز آغاز میکنم:  
آگاهی سر آغاز آزادی است

اگر کسی آزادی را نشناسد و از بهره مندی آن آگاه نباشد، برای دستیابی بر آن کوششی هم نخواهد کرد همانگونه کسی که زر را نشناسد.

چگونه کسی میتواند خواستار چیزی باشد که نداند چیست؟ با این شمار باید نخست گام در راه آگاهی برداریم و در باره آنچه و هرچه که با سرنوشت زندگی و تاریخ و فرهنگ مردمی (ملیت) ما بستگی دارد به ژرفی جستجو کنیم تا بیشتر و بهتر آگاه و درستی ها را دریابیم و برگزینیم.

اگر نوشته ای را میخوانیم و یا سخنی را میشنویم با بهره گیری از خرد نویسنده و گوینده و اندیشه اش را شناسایی کنیم تا چشم و گوش بسته به نوشته ها و سخنان فریبنده کسی گردن ننهیم.

اگر چنین کردیم بروشنی درمی یابیم که آن نوشته را چه کسی نوشته. چرا نوشته است و یا آن سخن را چه کسی گفته و چرا میگوید. آنگاه است که میتوانیم با چشمان باز و هشیارانه گام در میدان نبرد زندگی سهمگین امروزی جهان بنهیم.

یکی از دشواریهای ۱۴۰۰ ساله ای که بویژه ما ایرانیان با آن رو به رو شده و دست به گریبانیم. تاریخ و فرهنگ درخشان و والا نی و سرفرازی ایرانی را لگد کوب نموده است که همچنان ناآگاهانه در زیر این کوله بار سنگین و ننگین کمر خم نگا داشته. ایران پرستی را با استخوان پرستی بیابان گردان تازی دگش کرده ایم. همانا اسلام رها ورد تازیان و کلام الله رها ورد اسلام است که در آغاز با زور شمشیر به گردن نیاکان ما نهادند سپس به مرده ریگری (ارث) به ما رسید. به ما نی که نه از پیشینه آن آگاه بودیم و نه شناخته بودیم و نه بدخواه آن را پذیرفته بودیم.

آنچه را که مثنی دستار بند تازی پرست در این باره به ما گفتند و به مغز و اندیشه ما فرو کردند باور کردیم، چشم و گوش بسته و ناآگاهانه پذیرفتیم و بکار بستیم، کوچکترین واکنشی هم از خود نشان ندادیم تا آنجا که نا باورانه و نا بخردانه فرتور (عکس) سید روح الله خمینی خون آشام هندی زاده را در ماه و تار موی ریشش را لای قران دیدیم.

آیا بدرستی چنین چیزی را دیده بودیم؟ باور کردنی بود؟ آیا برای فریب نخوردن دیگری چاره ای اندیشیده ایم؟ همان دغلبازان دستار بندی که ما را چنین فریفتند و سیه روزمان کردند، از ۱۴۰۰ سال پیش کلام اللهی با زبان تازیان بدست نیاکان ما دادند تا با همان زبان برای آموزش روان مردگان خود بخوانند و یا بدان سوگند یاد نمایند که ما هم به پیروی از پیشینیان چنان کردیم و میکنیم، بی آنکه رنج دریافت درونمایه آنرا به خود داده باشیم تا دریابیم چه میخوانیم و برای چی میخوانیم؟

هرگز نکوشیدیم تا دریابیم آیا آنچه را که میخوانیم و در نمی یابیم پیوندی با آموزش روان مردگان ما دارد؟ و یا میتوان با سوگند بر آن پای بند بر پیمانی بود که از سرباز تا پادشاه و وزیر و وکیل و سناتور بر پاسداری از مرزبوم کشور و نگهبانی از قانون اساسی بر آن سوگند یاد مینمایند؟ زهی گمراهی.

هیچگاه نکوشیدیم تا دریابیم بر آنچه که بدستور دستار بندان دینی سوگند یاد میکنم و یا برای آموزش روان مردگان خود میخوانیم بن مایه ننگ بندگی، بردگی، کنیزی، غلامی، را هزنی، کشت و کشتار فریب و ریا و سر فرود آوردن کورکورانه در برابر مثنی افسانه های دروغین و بدور از خرد بازگو در بازگو شده تازیان و یهود است.

من هر زمان که به این بن مایه سراپا ننگ و سرافکندگی و خواری پذیری بی چون و چرای ۱۴۰۰ ساله روی می آورم، همانگاه بیاد چاپ اسکناس از سوی (فرقه جدانی خواه دموکراتها) در آذربایجان می افتم که بر روی کاغذ های سفید با زبان آذری مبلغی نوشته بودند و نوشته بودند (دانشمه گوتور) یعنی سخن نگو و بردار؟

خواندن قرآن تازیان هم با زبان عربی همان حالت را دارد (بخوان، نفهم، نپرس) که مشتکی دین دارنمای بی دین و دغلباز و پشت به میهن درپوشاک نمایندگی از الله (همان حجرالاسود) بخورد مردم گمراه و در بند نگاهداشته شده ایران داده اند و میدهند. چه معنی آن را دریایی و یا درنیایی کلامی است بگفته آنان الهی که باید بخوانی و بپذیری. اگر کوچکترین دودلی نشان دهی بی دین، نامسلمان و کافری و باید کشته شوی.

تازش دوم تازیان بدست تازی زادگان زاده شده در ایران بسرپرستی سید روح الله خمینی کشتارگر بیاری کشورهای نفتخوار اروپا و آمریکا برای تاراج دارائی خدادادی ما در بهمن ماه/۱۳۵۷ با همه کشتار و تاراج و تیهکاری آیت الهی که پایه تروریست جهانی را نیز پی ریخت و جایزه خون رنگ آنرا هم به جیمی کارتر فرمدار وقت آمریکا دادند. سود بزرگی هم داشت که با ترجمه قرآن به زبان فارسی و گواهی آن زیر شماره/۶۲ به تاریخ ۱۳۶۷/۳/۳۱ از سوی وزارت ارشاد اسلامی، روزنه ای فرا راه پویندگان آگاهی و آزادی گشود و روشن گردید که درون مایه این دیگ سیاه زرانود شده جز لجن و پیام سیه روزی و تیره بختی، رهاورد دیگری ندارد. همین که مهدی الهی قمشه ای با ترجمه خود سرپوش از این ننگ نامه را برداشت بوی ناخوشایندش به سراسر ایران و جهان پیچید.

حال این شما و اینهم گوشه ای کوچک از کلام الله، قرآن. پس از خواندن خود به سراغ قرآن ترجمه شده مهدی الهی قمشه ای بروید. بخوانید و داوری کنید تا بیشتر و بهتر الله و محمد و نمادهای الله (آیت الله ها) را به درستی بشناسید.

کلام به واژه تازی درچم سخن است. الله نام گوینده آن سخن، پس بیانیم نخست الله را بشناسیم و سپس به سراغ درون مایه سخنانش آمده در کلام الله برویم.

همه کسانی که با تاریخ اسلام و عرب سرو کار دارند به نیکی آگاهند که تازیان بت پرست بودند. نه تنها نسکی بنام (کلب الاصنام) داشتند و دارند که نام همه بتان تیره های گوناگون تازی در آن آمده است ۳۶۰ بت ریز و درشت هم در کنار یکدیگر در خانه ای بنام کعبه درمکه از سوی ابراهیم نیای بزرگ محمد گرد آوری شده بود.

برابر درون مایه همین کلام الله آن بتکده را ابراهیم و پسرش اسماعیل بنا نهاده بودند. سوره دوم (البقره) آیه شماره ۱۲۷ (پیشینه خانه کعبه و خریدن آن با خیکی می از سوی قصی نیای بزرگ محمد به گسترده در دفتر پژوهش در زندگی علی نماد شیعه گری) آمده است.

آن بتکده، همین بیت الله الحرام امروز است که از سوی محمد خانه الله نام گرفته و هرساله گمراهان جهان بنام مسلمان به زیارتش می شتابند. پس از بوسه زدن بر سنگ سیاه الله (حجرالاسود) شادمانه خون هزاران جان دار بیگناه را به پایش بر زمین میریزند و ناآگاهانه سنگهای بسوی شیطان نادیده (ازدید خود نماد بدی) پرتاب میکنند تا به حاجی بودن سرافراز گردند که لبی از می ناب در شادیکده الله (بهشت) تر کنند و درآغوش دخترکان و پسر بچه گان زیبا روی اهدائی الله بیارامند. بی آنکه کمترین آگاهی از پیشینه این کار زشت و نابخردانه خود داشته باشند.

بر باور من باید آن سنگها را بسوی همان سنگ سیاه الله پرتاب کنند که نماد بارز اهریمنی و پرستیدن بتی سنگی و سیاه است.

الله یا همین سنگ سیاه که در آغاز بت ویژه ابراهیم بود در کنار دیگر بتان خانه کعبه قرار داشت که پیشینه آن نیز در دفتر پژوهش در زندگی علی نماد شیعه گری آمده است. چون تیره قریش خود را بازمانده ای از هاجر کنیز مصری همسر ابراهیم میدانستند. پیرو بت الله بودند زمانی که محمد خویشان را خود خواسته فرستاده الله نامید و پیامهای نابخردانه ای نیز از سوی او آورد که دیگر تازیان نپذیرفتند. دست به تازش و کشتار و تاراج زد، پس از کشت و کشتارهای فراوان "بگفته قرآن" بیاری فرشتگان و باد صرصر بر دیگران پیروز گردید و بر بتکده کعبه دست یافت. سوره هشتم (انفال) آیه های ۷ تا ۱۹ و ۴۲ و ۵۰.

سوره نهم (توبه) آیه های ۲۶ تا ۳۳ و دهها آیه دیگر.

پس از دستیابی بر بتکده کعبه و گفتن الله و اکبر. یعنی الله از دیگر بتان بزرگتر است. دستور داد همه بت‌های ریز و درشت تیره های دیگر موجود در خانه کعبه را در برابر چشمان گریان آنها شکستند و تنها الله یا همان حجر الاسود را برجای گذاشت و گرامی داشت و بنای بتکده کعبه را نیز خانه الله نامید و در همان زمان نیز نام الله را بدون قرآن برد. سوره هفد هم (اسری) آیه ۱۱۰ و چنین گفت:

ای رسول بگو که من مأمور منحصراً خدای این بلد مکه معظمه را که بیت الله الحرامش قرار داده اند پرستش کنم. که آن الله مالک همه چیز عالم است و باز مأمورم که از تسلیم شدگان فرمان او باشم. و نگفت خدای جهان را پرستش میکنم که آن خدا، خدای بلد مکه هم هست. همینطور سوره بیست و هفتم (النمل) آیه های ۹۲ تا ۹۵

این چنین سنگ سیاهی بنام (حجر الاسود) زیر نام الله از سوی محمد خدای جهان شناخته شد و بدون قرآن ساخته و پرداخته خودش راه یافت و با زور شمشیر به گردن مردم کشورهای شکست خورده نهاده شد.

حال ببینیم درون مایه کلام الله رهاورد محمد چیست؟

الله آمده در قرآن، نه از خرد و دانش و بینش و آگاهی بهره مند است و نه بونی ازدادگری برده است. بخشی از دستورهای او مشتی دروغ، فریب، مکر، و دشمنی آشتی ناپذیر با آزادی و شادی و شادمانی. بازگو کردن افسانه های پیشین تیره های یهود و تازی و دلدادگی ها که بارها و بارها بازگو گردیده است. چگونگی همسر گزینی، ازدواج، طلاق، ارثیه، ازدواج زنان همسر مرده، حیض و نفاس زنان، جنگ و کشتار و گردنه بندی، راهزنی، تاراج دار و ندار کاروانیان و مردم به فرمان الله که در این رهگذر همه جا و همیشه الله و فرشتگانش با پرچم اسلام و باد صرصر و زلزله و سنگباران همراه محمد خود خوانده رسول الله بوده و بیاریش شتافته اند.

بخشی دیگر از کلام الله، بندگی، بردگی، غلامی، کنیزی، نابرابری، دسته بندی مردان به دو دسته آزاد و بنده و برده و غلام. همچنین دسته بندی زنان به دو دسته آزاد و ناآزاد که همچون کالا در شمار ملکی متصرفی مالک در می آیند. ازدواج نکردن با کنیزان مگر برای رفع عزوبت. گمراه کردن مردم و در دست گرفتن روزی آنها. سرپرستی امور پائین تنه رسول الله همیشه و در همه جا بخشیدن زنان مومنه بی قید شرط مهر خود را به رسول الله که بر وجود عزیزش بد نگذرد تا پس از این گونه همخوابگی آزاد حلال شده و راهی عشرتکده (بهشت) گردند. آزادی و حلال بودن نکاح با برخی از محارم برای انبیا. چگونگی گذران در شادیکده الله (عشرتکده=بهشت) و شگنجه گاه آزادی خواهان (دوزخ) و و

گفتار من در باره بردگی، بندگی، غلامی، کنیزی و بخشی از نا آگاهیهای الله آمده در قرآن است که میگوید (همه چیز را میدانم و آگا هم سوره بیست و دوم (حج) آیه ۷۶) و دها آیه دیگر.

۱- بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست جز آنکه الله را بنده و فرمانبردار است: سوره نوزدهم (مریم) آیه ۹۳ سوره بیست و دوم (حج) آیه ۱۸ - سوره بیست و چهارم (نور) آیه ۴۱ - سوره سی ام (روم) آیه ۲۶ - سوره پنجاه و پنجم (الرحمان) آیه ۶.

۲- هیچ مرد و زن مومن را در برابر فرمان الله و رسول او اراده و اختیاری نیست که رای خلافی اظهار نماید سوره سی و سوم (احزاب) آیه ۳۶.

۳- الله برای هدایت شما هم از عالم خود شما مثالی زده (شما فکر کنید) آیا هیچ یک از غلامان و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند؟ تا شما و آنها در آن چیز بی هیچ مزیت مساوی باشید؟ و همانقدر بیمی که شما از نفوس خود دارید. هم از آنان دارید؟ هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی خود نمیدانید ... سوره سی ام (روم) آیه ۲۸.

۴- الله مثلی زده بشنوید. آیا بنده مملوکی که قادر بر هیچ (حتی بر نفس خود) نیست با مردی آزاد که ما به او رزق نیکو و مال حلال بسیار عطا کردیم که نهان و آشکار هرچه خواهد انفاق میکند. این دو یکسانند هرگز یکسان نیستند. سوره شانزدهم (نحل) آیه ۷۵.

۵- الله مثلی زده (بشنوید) دو نفر مرد یکی بنده ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز وکل بر مولای خود و از هیچ راه خیری به مالک خویش نرساند و دیگری مردی آزاد و مقتدر که بر خلق به عدالت فرمان دهد و خود هم براه مستقیم باشد. آیا این دو نفر یکسان هستند (هر گز یکسان نیستند مثل کافر و مومن بدین تمثال ماند). سوره شانزدهم (النحل) آیه ۷۷.

۶- ای رسول ما بنگر تا ما چگونه (دردنیا) بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم (تابدانی که) مراتب آخرت نیز بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلاق بر یکدیگر بمراتب افزون از حد تصور است. سوره هفدهم (اسری) آیه ۲۱.

۷- الله رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فرزونی داده آنکه رزقش افزون شده به زیر دستان و غلامان زیاده را نمیدهد تا با او مساوی شوند. سوره شانزدهم (النحل) آیه ۷۱.

۸- از بردگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند (یعنی خواهند که خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند) تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی مشا هده کنید بپذیرید و برای کمک آنان از مال الله که بشما عطا فرموده. به عنوان زکات و صدقات در وجه المکاتبه به آنها بدهید...

۹- و کنیزکان خود را که مایلند به عفت زنهار برای طمع مال دنیا جبرا به زنا وادار نکنید که هرکس آنها را اکراه به زنا کند. الله در حق آنها که مجبور بودند آمرزنده و مهربان است. سوره بیست و چهارم (نور) آیه ۳۳.

۱۱- هیچ مومنی را نرسد که مومنی را به قتل برساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتیکه به اشتباه هم مومنی را مقتول ساخت. باید به کفار این خطا بنده مومنی را آزاد کند و خونبهای آنرا به صاحب خون تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه به قاتل ببخشند. سوره چهارم (النسا) آیه ۹۲.

مهورزیده تنها این ده بخش را که چکه ای از دریای نا هنجاریهای کلام الله است به ژرفی بخوانید اگر شما چنین جانور درنده فراری از باغ وحش را به خدائی پذیرفتید پیمان می بندم هرگز دست به غلم نبرم؟

پرسش اینست، چرا الله برده و بنده و غلام و کنیز می آفریند و آنها را برده و اسیر دیگران میکند تا بسود خویش بهره برداری کند؟

چرا بنده مومن خودش را هم بنده دیگری کرده است؟ پس برای این الله دوغ و دوشاب ندارد هر که را بخواهد بنده خودش و دیگران هم میکند. یک بنده مومن در بند مومن دیگر باید سالها دعا کند شاید مالکش کسی را بکشد تا او رها گردد و اگر نکشت باید در بندگی بمیرد و اگر بندگان چند نفر باشند که تنها یک نفر آزاد گردد. دیگر بندگان باید همچنان در بند بمانند و بمیرند.

مهمتر از همه هرگز این الله درجائی نگفته است که در برابر خطای بزرگ مالک کنیزی، یک کنیز هم آزاد بشود دوگانگی درباره یک بنده و کنیز از دید الله برای چیست؟ آنهم کنیز نگون بختی که باید بسود مالک خویش تن به خود فروشی هم بدهد.

چرا و به چه فرمود الله آفریدگان خود را در این جهان و جهان دیگر پیشکی درجه بندی کرده و برخی را بر برخی برتری بخشیده. به گروهی روزی بیشمار داده و گروهی را چنان نیازمند کرده است که باید دست گدائی بسوی دیگران دراز کنند. آیا این الله کژ اندیش دشمن آزادی، یک بیمار روانی نیست؟

با اینکه برابر سوره چهلیم (المومن) آیه ۸: الله سوار بر هشت ملک مقرب است و در پرواز و گشت و گذار در آسمانها میبازد تا به امروز در نیافته است که شب و روز در پی گردش زمین بدور خود و خورشید پدید می آیند. همان زمان که در کنار خانه اش کعبه شب فرا میرسد در گوشه ای دیگر از جهان روز آغاز میگردد هرگز نمیتوان روشنائی روز را در سیاهی شب در یک کیسه پنهان کرد و سپس از هم جدا نمود که الله ناآگاه با فرستادن آیه های زیرنادانی خودش را در این باره نیز به استواری رسانیده است شب را در پرده زرین روز پنهان کند و روز را در خیمه سیاه شب پنهان سازد... سوره دوم (العمران) آیه ۲۷- سوره هفتم (اعراف) آیه ۵۴ - سوره بیست و دوم (حج) آیه ۶۱ - سوره سی و یکم (لقمان) آیه زیر ۲۹ - سوره سی و پنجم (فاطر) آیه ۱۳ - سوره سی و نهم (زمر) آیه ۵ - سوره پنجاه و هفتم (الحدید) آیه ۶ و و .

برهان دیگر برای خلق در اثبات قدرت حق وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن برگیریم ناگهان همه را تاریکی فرا گیرد. سوره سی و ششم (یس) آیه ۳۷

— و نیز خورشید تابان که بر مدار معین خود بی هیچ اختلاف به گردش است. برهان دیگر بر قدرت الله دانای مقتدر است. سوره سی و ششم (یس) آیه ۳۸ .

ای بشر ندیدی که هر چه در زمین است امر الله مسخر شما گردانید و کشتیها به فرمان او در دریا سیر میکند؟ و آسمان را دستور او نگهداشته است که بر زمین نیفتد؟ که همانا الله درباره بندگان رئوف و مهربان است. سوره بیست و دوم (حج) آیه ۶۵. سوره سی و ششم (یس) آیه ۳۹.

نه خورشید را سزاست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. (یس) آیه ۴۰.

آسمان را سقفی محفوظ طاقی محکم آفریدیم این کافران غافل از مشاهده آیات آن اعراض میکنند. سوره بیست و یکم (انبیاء) آیه ۳۲ .

آیا بنای شما آدمیان استوار تر است یا بنای آسمان بلند که سقفی پس بلند بی ستون و در کمال زیبایی استوار ساخت. سوره هشتادم (عبس) آیه های ۲۷ و ۲۸. سوره سی و یکم (لقمان) آیه ۱۰ و دهها آیه دیگر.

آنچه یادآوری گردید گوشه های بسیار کوچکی بود از دریای بیدادگری، غلام بارگی، بنده پروری کنیز بازی، نادانی، بیدادگری و ناآگاهی الله در قرآن آسمانی، بی آنکه من واتی = (کلمه ای) بر آن افزوده باشم. داوری پس از خواندن و برابر کردن با آیات قرآنی به عهده خوانندگان است.

اگر چنین بیخرد و جانوری را که بویی از آزادی و آزاد منشی نبرده است. خدا بدانیم، پس اهریمن کیست؟ آیا آنچه را که خواندید و شنیدید و همه آن در کلام الله موجود است از ویژگیهای اهریمنی نیست؟

آیا چنین سخنان بیهوده ای را جز بر خاسته از دل سنگی سیاه میتوان پنداشت؟

پرسش من از همه استادان دانشگاهها ومدعیان روشنفکری و روشنگری (بجز آن شمار معدود و شناخته شده دست اندرکار) اینست که در برابر این پدیده شوم ایران برباد ده، چه گامی جز سوگند بر آن و یا خواندنش برای آمرزش روان مردگان خود برداشته اند. همگان را آگاه سازند؟

خرد یار و یاور همه ایران پرستان باد : با ارج فراوان پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ وزرد و بنفش

آله دال فک (پاریس)

۱۰ شهریورماه/۲۷۱۲

۳۱ ماه/۱ و ت ۲۰۰۴

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>